

پژوهشی فقهی - حقوقی در الزام حکومتی بر حجاب زنان جهانگرد

فاطمه فلاح تفتی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۹/۲۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۹/۲۵)

چکیده

صنعت گردشگری رشد سریعی در توسعه اقتصاد جهان داشته است. در میان مسائل مختلف گردشگری و عوامل آسیب‌زا به این صنعت، برخی افراد اجبار گردشگران به حجاب شرعی را، سبب نارضایتی و کاهش گردشگر دانسته و حتی آن را ضد حقوق بشر خوانده‌اند. این پژوهش بر آن است تا با روش تحلیلی، ادله فقهی - حقوقی الزام دولت به حجاب گردشگران را بررسی کند. در این بررسی نشان داده خواهد شد که ادله امر به معروف و نهی از منکر، ادله ناظر به تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر حکم حرمت تظاهر به منکرات می‌تواند به عنوان مبنای فقهی الزام غیر مسلمانان اعم از ساکن و جهانگرد شمرده شود و بیانگر مسوولیت دولت اسلامی است. علاوه بر آنکه از منظر حقوقی، حکم مستفاد از قانون هر کشور جهانگردان را موظف به عمل طبق آن کرده و در صورت عدم عمل به آن، سوگندنامه خود را شکسته و در صورت ورود به کشور، حکومت حق الزام وی را دارد.

واژگان کلیدی: الزام، جهانگرد، حجاب، حکومت دینی، صنعت گردشگری.

مقدمه

صنعت گردشگری از دیرباز مورد توجه بشر بوده است. بدون شک امروزه صنعت توریسم به عنوان یکی از مهمترین صنایع جهان، رشد سریعی در توسعه اقتصادی جهان داشته که در نتیجه افزایش نرخ رشد سالانه در تولید ناخالص ملی در سطح جهان، صادرات، تجارت جهانی و خدمات و... را در برداشته است گردشگر، دولت مبدأ و مقصد، سفر و سیر، جاذبه‌های گردشگری، اقامتگاه، حمل و نقل و خدمات از عناصر دخیل در این صنعت هستند. قرآن کریم نیز، در آیات متعدد فرمان به سیر در زمین می‌دهد. [آل عمران: ۱۳۷؛ نحل: ۳۶؛ نمل: ۶۹؛ یوسف: ۱۰۹؛ حج: ۴۶؛ فصلت: ۵۳ و...] البته جهانگردی هدفدار و بازدید توأم با اندیشه که بهترین کلاس برای تربیت انسان است چراکه تحقیق و بررسی آثار و سرنوشت پیشینیان سبب عبرت شده و مشاهده آثار عظمت خداوند در نقاط مختلف جهان، باعث توجه به ذات الهی می‌شود و این همان چیزی است که قرآن نام آن را "سیر فی الارض" گذارده است. [نک: ۳۱، ج ۴، ص ۳۰؛ ۴۳، ج ۱، ص ۶۱۲]

واژه توریسم یا گردشگری نخستین بار در سال ۱۸۱۱، در مجله‌ای انگلیسی به نام «مجله ورزشی» بکار برده شد. از آن زمان تاکنون معانی و تعاریف متعددی از سوی صاحب نظران ارائه شده است. اما جامع‌ترین تعریف را سازمان جهانی گردشگری ارائه داده است، این سازمان گردشگر را اینگونه تعریف کرده است: «گردشگر کسی است که به منظور تفریح، بازدید از نقاط دیدنی، معالجه، تجارت، ورزش یا زیارت، به جایی غیر از مکانی که در آن اقامت دارد سفر می‌کند، مشروط براین که حداقل مدت اقامت او از ۲۴ ساعت کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد» [۲۸، ص ۹۹] و گردشگری عبارت است از گذران اختیاری مدتی از اوقات فراغت خود در مکانی غیر از محل سکونت دائمی به قصد بهره برداری از لذت‌های گردشگری. [۲۸، ص ۱۰۰]

کشور ایران نیز با داشتن جاذبه‌های هنری و فرهنگی فراوان می‌تواند خیل عظیم گردشگرانی که کنجکاوی و تنوع طلبی انسان امروز و آسانی و راحتی رفت و آمدها و ملالت آفرینی زندگی ماشینی آنان را از این سو به آن سو می‌کشاند، به سوی خود فرا خواند و حضور این گردشگران در کشور ما می‌تواند فرصت مغتنمی برای انتقال پیام‌های حیات بخش اسلام به گوش آنان باشد تا پیام انقلاب‌مان را به دیگر کشورها صادر کنیم؛ اگر چه سودها و بهره‌های مادی جامعه اسلامی و تلاش برای دستیابی به درآمد بیش تر نیز تلاشی ستودنی، مهم و ارزشمند است.

اما در میان مسائل مختلف گردشگری و عوامل آسیب‌زا به این صنعت، برخی الزام گردشگران به رعایت حجاب شرعی را سبب نارضایتی و کاهش حجم ورود ایشان و تاثیر منفی بر صنعت توریسم می‌دانند و در نتیجه، الزام گردشگران به رعایت حجاب را تقبیح کرده و آن را خارج از عرف و قانون دانسته و حتی پا را فراتر نهاده اجبار غیرمسلمانان به حجاب را ضد حقوق بشر خوانده‌اند. [۲۶] این پژوهش بر آن است تا ادله فقهی الزام گردشگران به رعایت حجاب را مورد بررسی قرار دهد. ذکر این نکته نیز ضروری است که مراد از پوشش در این مقاله حجاب شرعی است که فقها حد آن را وجوب تمام بدن زن جز وجه و کفین آن هم در صورت عدم تلذذ و ریبه تعیین کرده‌اند.^۱ [۳۲؛ ۵۲، ج ۱، ص ۱۴۲]

درباره این موضوع، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تنها دو مقاله را در مجموعه مقالاتی تحت عنوان حجاب، مسوولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی منتشر کرده است. مقاله اول با عنوان "محدوده حجاب جهانگردان و اتباع بیگانه در کشورهای اسلامی" به بررسی مواد قانونی درباره حجاب پرداخته و با ذکر قواعدی فقهی نتیجه گرفته است که لزومی به الزام جهانگردان به حجاب نیست. در مقاله بعدی که تحت عنوان "نگاهی دوباره به پوشش زنان جهانگرد" است، به وظایف غیر مسلمانان در سرزمین اسلامی پرداخته و در نهایت نتیجه گرفته است که بر اساس قوانین هر کشوری باید عمل نمود. اما این پژوهش در صدد است از حوزه مسوولیت دولت اسلامی به این مسأله نگرسته و مستندات فقهی و حقوقی الزام را بررسی و تبیین نماید. بدین منظور ابتدا حکم مستفاد از آیات و روایات سپس حکم مستفاد از قانون هر کشور بررسی می‌شود. البته، این نکته را باید افزود که هر چند غیر مسلمانان را می‌توان به کفار ذمی و تحت حمایت دولت اسلامی و کفاری که به کشورهای اسلامی مسافرت می‌کنند و تحت عنوان توریست‌ها و گردشگران از آن‌ها یاد می‌شود، تقسیم کرد؛ اما از این جهت، میان این دو گروه تفاوتی نیست زیرا هر دو گروه تحت حمایت دولت اسلامی‌اند و حکم واحدی دارند:

۱- ادله‌ی فقهی الزام

در این بخش دو دسته از روایات بررسی می‌شود. یک دسته روایاتی که در آن‌ها به تناسب از پوشش کفار و محدوده آن بحث می‌شود اما به دلالت التزامی می‌توان، از آنها مسوولیت دولت اسلامی در قبال کفار را استنباط کرد و دسته دیگر، روایاتی است که می‌توان مسوولیت دولت اسلامی را حتی در صورت عدم وجوب پوشش آن‌ها برداشت کرد:

۱. «يجب ستر المرأة تمام بدنها عن عدا الزوج و المحارم إلا الوجه و الكفين مع عدم التلذذ و الريبة».

۱-۱- تمسک به قاعده مکلف بودن کفار به فروع دین

مکلف بودن کفار به فروع دین به این معناست که کفار نیز همانند مسلمانان در برابر احکام دینی تکلیف دارند. برخی مبنای وجوب پوشش زنان غیر مسلمان را این قاعده دانسته [۴۴] و طبق این قاعده دولت اسلامی را موظف به الزام گردشگران به حجاب کرده اند. این قاعده از جمله قواعد مشهور بین فقهاست که متکی به ادله دینی است [۴۹؛ ۳۰؛ ۶۱، ج ۲۱، ص ۳۱۷؛ ۶۳؛ ۲۹، ج ۹، ص ۴۷؛ ۲۰، ج ۵، ص ۱۸۳؛ ۵۳، ج ۱، ص ۵۸ و...]. در اینجا به ادله این قاعده اشاره می‌شود:

از جمله دلایل این قاعده، تمسک به نظیر آیات زیر است: «چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم، و اطعام مستمند نمی‌کردیم، و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم، و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم» [مدثر، ۴۲-۴۶]؛ یا آیات: «وای بر مشرکان! همانها که زکات را نمی‌پردازند، و آخرت را منکرند» [فصلت، ۶-۷]؛

آیت‌الله خوئی ضمن رد تمسک به این آیات بر این نظر است که ممکن است که مراد از مصلین و مطعمین زکات در آیه اشاره به عدم اختیار اسلام و تکذیب روز قیامت باشد [۵۵، ص ۱۲۵] و در نتیجه، آیه دلالتی بر عقاب کفار به دلیل ترک این فروع ندارد [۵۵، ص ۱۲۵] یا می‌گوید که سیره مسلمین نسل در نسل، بر عدم مؤاخذه کفار در فروع بوده است مگر آنکه دلیل خصوصی در مورد واجب خاصی رسیده باشد. [۵۵، ص ۱۲۶]. آیت الله فاضل اینگونه برداشت از آیه را خلاف ظاهر آیه دانسته چراکه تکذیب روز قیامت را که در آیه بعد آن آمده، به عنوان یکی از لوازم عدم اسلام و نشانه کفر، کافی می‌شمارند؛ بنابراین ذکر ترک نماز در آیه مورد بحث، به عنوان علت موجه برای واقع شدن در سقر اشاره به مطلب دیگری است که با تکلیف کفار به فروع تناسب دارد [۴۰، ص ۳۲۵] در نتیجه استدلال به این آیات، نیز تام می‌باشد.

اما مهمترین دلیل بر این قاعده، اطلاق ادله تکلیف است که در آن‌ها قید ایمان نیامده است و ظاهر آیات، دلالتی بر اختصاص به مؤمنین ندارد؛ [۴۰، ص ۳۲۴]. به این دسته از ادله نیز اشکال شده است که بیشتر خطابات در مورد فروع، به مؤمنین است [۵۵، ص ۱۲۴] که در جواب باید گفت: خطاب به مؤمنین در این آیات، تنها به این دلیل است که مؤمنین مامور به اطاعت و انجام تکالیف و وظایف هستند و ما همین تعبیر مؤمنین را در باب اصول اعتقادی داریم در حالی که به طور قطع، کفار با مؤمنین در

اصول اعتقادی مشترکند. زیرا بدیهی است که کافر باید از کفر دست بکشد و به آنچه مومن ایمان آورده، او نیز ایمان بیاورد. [نک: ۴۰، ص ۳۲۴]

یکی دیگر از دلایل، قاعدهٔ جب است که مستفاد از قول رسول الله [ص] است [۶۲؛ ۱] تقریب استدلال به این قاعده این است که در این روایت گفته شده اسلام ما قبل خودش را از بین می‌برد؛ یعنی اگر کافر پیش از مسلمان شدن کاری انجام داده یا سخنی گفته یا اعتقادی داشته است که در اسلام آثار زیانبار یا عقوبت دارد، با اسلام آوردن، این آثار نادیده گرفته می‌شود بی آن‌که نیاز به جبران کردن داشته باشد [۵۱] از این قاعده یک قیاس استثنائی را استفاده می‌کنیم به این نحو که اگر احکام فرعیه شرعیه اختصاص به مؤمنین و مسلمین داشت، لازمه‌اش این بود که قاعده جب فقط در مورد مسئله کفر و شرک باشد در حالی که مورد قاعده جب احکام فرعیه شرعیه است و اختصاص به کفر و شرک ندارد؛ لذا نتیجه گرفته می‌شود که احکام و تکالیف فرعیه شرعیه مختص مسلمین نیست و شامل کفار هم می‌شود. قاعده جب می‌خواهد بگوید تکالیفی را که کافر در زمان کفر ترک کرده نیاز به جبران ندارد؛ مثلاً نمازهایی را که کافر در زمان کفر نخوانده و روزه‌هایی را که نگرفته تدارک لازم ندارد و نتیجه گرفته می‌شود که احکام و تکالیف مشترک بین کفار و مسلمین می‌باشد و اختصاص به مسلمین ندارد. به همین جهت هم فقها به این روایت درباره اموری مثل ترک صلوه و ترک صوم و امثال اینها استدلال کرده‌اند و گرنه وجهی نداشت که گفته شود «یجب» و شأن ورود روایت در مورد اموری مثل قتل و امثال آن است و به کفر و شرک کاری ندارد. قرائنی هم وجود دارد که بحسب این قرائن می‌توان نتیجه گرفت مورد این روایت تکالیف و فروع هستند؛ در نتیجه احکام و تکالیف بین کفار و مسلمین مشترکند. [نک: ۴۰، ص ۳۳۰].

البته ادعای اجماع بر این قاعده نیز شده است. [به نقل از ۲۹، ج ۹، ص ۴۷]. که البته استناد به اجماع صحیح نیست؛ زیرا اولاً در این مسأله مخالف وجود دارد،^۱ ثانیاً با توجه به ادلهٔ دیگری که برای این قاعده ذکر شده از آیات و روایات، این اجماع مدرکی بوده و حجیت ندارد.

با توجه به دلایل فوق، قاعده مکلف بودن کفار به فروع اثبات می‌شود، اما باید دانست که مفاد قاعده، عبارت است از اینکه کفار با مؤمنین در تکالیف انشایی و در

۱. از جمله می‌توان به [۴۲؛ ۱۰؛ ۵۵، ص ۱۲۴] اشاره کرد.

مرتبه بعث و زجر مکلف هستند؛ اما در مرحله تنجز تکلیف، مکلف نیستند؛ زیرا تنجز تکلیف، متوقف بر التفات و علم است و تکلیف در بیشتر کفار به این مرحله نمی‌رسد؛ یا به دلیل غفلت آنان یا علم به خلاف، از آن جهت که گمان می‌کنند عقیده آنان صحیح و اسلام باطل است [۴۰، ص ۳۳۷]، با این وصف مفاد قاعده می‌گوید، در آن‌ها مناط و ملاک وجوب، وجود دارد هر چند فعلاً متوجه آن‌ها نیست و مراد از وجوب و مکلف بودن کفار، وجوب اصل حکم می‌باشد نه وجوب فعلی. [۲۹، ج ۹، ص ۴۸] و از آنجا که با تنجز تکلیف و نه اصل تکلیف می‌توان از عقاب سخن گفت، نمی‌توان از عقاب کفار بر ترک فروع، سخن گفت.

با این توضیح می‌توان دیدگاهی را که از مکلف بودن کفار به فروع دفاع می‌کند با دیدگاه کسانی که قائل به تکلیف کفار نیستند، قابل جمع دانست. بنابراین، می‌توان گفت اگرچه کفار در مقام ثبوت مکلف به حجاب شرعی هستند ولی در مقام تنجز تکلیف مکلف نیستند و در نتیجه؛ نمی‌توان ایشان را ملزم بدانها کرد.

۱-۲- اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر

اصل الزام غیر مسلمان به حجاب شرعی را می‌توان از اطلاق ادله امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرد؛ از جمله می‌توان به آیات ذیل استناد نمود: «همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست» [حج، ۴۱]؛ «پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است!»؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.» [لقمان، ۱۷]؛ [آل عمران، ۱۰۴]؛ و... و همچنین روایات زیادی نیز در این باره وارد شده است. از جمله پیامبر اکرم [ص] فرمودند: خداوند متعال نسبت به مومن ضعیفی که دین ندارد، غضب می‌کند. سؤال شد مومنی که دین ندارد کیست؟ حضرت فرمودند: کسی که نهی از منکر نمی‌کند. [۴۵، ج ۹، ص ۴۹۴] در روایتی دیگر از امام علی علیه السلام است که حضرت فرمودند: کسی نهی از منکر را با قلب و زبان و عملش ترک کند، مرده‌ای است بین زندگان. [۳۳] و

همانطور که بیان شد، آیات و روایات اطلاق دارند و با اطلاقشان شامل کسانی می‌شود که تحت امر و نهی قرار می‌گیرند اعم از مسلمان و غیر مسلمان.

علاوه بر آنکه در برخی آیات به طور صریح از امر و نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کفار سخن رفته است: «همانها که از فرستاده [خدا]، پیامبر «امی» پیروی می کنند پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند...» [اعراف، ۱۵۷] که ظاهر آیه دلالت و یا حداقل اشعار دارد بر اینکه مسأله امر به معروف و نهی از منکر امور پنجگانه ای که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این آیه به آن امور وصف شده، همه از علائمی است که از آن ایشان در تورات و انجیل ذکر شده است، و بر اینکه این امور از مختصات پیغمبر اسلام و ملت او است [۳۱، ج ۸، ص ۳۶۴] و این مختص بودن بدان معناست که اسلام یگانه دینی است که در قالب بی روح امر به معروف و نهی از منکر تا آنجا که ظرفیت داشته، روح حیات دمیده و کار آن را که جز دعوت زبانی چیز دیگری نبود، به جایی رسانید و آن قدر آن را توسعه داد که شامل جهاد با اموال و نفوس گردید، [۳۱، ج ۸، ص ۳۶۵] باید توجه داشت که هر چند آیه در مقام توصیف پیامبر [ص] است اما آیه بیانگر آن است که امر به معروف و نهی از منکر، در رأس برنامه های بعثت پیامبران است و سایر امم صالح نیز به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قیام می کرده اند [نک: ۳۱، ج ۸، ۳۶۴؛ ۴۳، ج ۳، ص ۱۹۰] این آیه خود دلیل دیگری است بر اینکه حکومت مسؤلیت دارد معروف را در جامعه مسلمانان اقامه کند، هر چند مورد خطابش کفار باشند. چراکه در این آیه به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان شانی از شئون حکومتی پیامبر هم اشاره شده است. [۲۴؛ ۳۶؛ ۵] حال غیرمسلمان را می توان هم از باب اینکه منکری مانند بی حجابی را انجام می دهد و هم از باب لزوم بازداشتن دیگران از اضرار به غیر، نهی از منکر کرد.

۳-۱- ملاکات احکام و مقتضیات زمان و مکان

ممکن است گمان رود از آنجا که غیرمسلمانان در صدر اسلام به حجاب ملزم نمی شدند، از این رو دولت اسلامی حق برخورد ندارد و رعایت حجاب نیز برای غیرمسلمانان لازم نیست. [۸؛ ۲۷، ص ۶۳۵] اما باید از باب مقدمه دانست که اولاً حجاب امری فطری بوده و در آموزه های برخی ادیان دیگر نیز حجاب واجب بوده است و اختصاص به مسلمانان ندارد. بر طبق تورات و انجیل و حتی گفته های باقی مانده از زرتشت، حجاب بر زنان واجب بوده و نگاه به نامحرم حرام بوده است. حتی حجاب در بعضی از ادیان الهی گذشته کمی سخت تر از حجاب اسلامی بوده است، هر چند امروزه به آن پای بند نیستند.

شایان ذکر است که تا سده‌های اخیر تصاویری که از حضرت مریم علیها السلام نقاشی می‌شد با حجاب کامل بوده و حتی صورتش را نیز نقاشی نمی‌کردند، اما امروزه صورتش را به صورت باز و حتی گاهی با آرایش به تصویر می‌کشند و نیز فیلم‌ها و سریال‌هایی که مربوط به گذشته مسیحیان می‌باشد، زنان دارای حجاب و پوشش مناسب هستند. بنابراین این نوع پوششی که امروزه در میان زنان یهودی و مسیحی می‌بینیم حتی با سابقه تاریخی آنان منافات دارد.^۱

در کتاب مقدس یهودیان آموزه‌های فراوانی یافت می‌شود که به‌طور صریح یا ضمنی، بر حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن تأکید شده است. شیوه عملی یهودیان مبنی بر استفاده از روپوش‌های بلند و برقع و روبند [که بارها در تورات آمده است]. برابر حکم سخت‌گیرانه تلمود، اگر رفتار زن فضیحت‌آمیز باشد، شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ کتوبا [مهریه] طلاق دهد و زانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا [مهریه] به ایشان تعلق نمی‌گیرد؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند و فی‌المثل بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک سری به گفت‌وگو می‌پردازد. زنی که در حضور شوهر خود، به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید. [۴]

«مسیحیت نه تنها احکام شریعت یهود را درباره حجاب زنان تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید. در مورد سیره عملی زنان مسیحی، دائرة المعارف لاروس می‌گوید: دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد؛ وقتی وارد اروپا شد، آن را نیکو شمرد. زن‌ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می‌رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود [۶۰] تصویرهایی که از پوشاک مسیحیان و زنان اروپا به جا مانده، به وضوح حجاب کامل زنان را نشان می‌دهد [۱۱] تمام این موارد نشان می‌دهد که گرایش به پوشش امری فطری است و سابقه طولانی دارد. و حتی اگر نتوان از آن به عنوان دلیل یاد کرد می‌تواند موید قوی بر این مطلب باشد که اگر الزامی صورت بگیرد بر خلاف فطرت و سابقه دینی آنها نیست.

۱. برای آگاهی بیشتر نک: [۱۳].

ثانیاً از آنجا که احکام اسلام تابع مصالح و مفساد واقعی اند گاه با توجه به مقتضیات زمان و مکان حکم تغییر می‌کند. مقدمتاً باید گفت دین شامل دو نوع قانون است: نوع نخست قوانین کلی و ثابت که براساس نیازهای ثابت مقرر شده و برای همیشه و همه زمانها و مکانها معتبر و لازم الاجراست. همان‌گونه که در حدیث شریف آمده است: «حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه» [۱۴، ج ۳۰، ص ۱۹۶]

ولی قوانین نوع دوم، قوانین متغیر جزئی است که براساس نیازهای متغیر انسان تشریح شده است و همچنین نیازهای جامعه را بر وجهی که مصلحت عمومی را چه در دنیا و چه در آخرت، در بر داشته باشد، برطرف می‌سازد. در این نوع قوانین، تغییر برخی از احکام با اجازه خود اسلام صورت می‌گیرد. [۴۷] امام خمینی (ره) وضع قوانین متناسب با زمان و مکان را وظیفه مجتهد دانسته؛ مجتهدی که «باید زیرکی، هوش، فراست و هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد» [۵۴] که البته تغییر برخی مؤلفه‌ها از اوضاع و احوال موجود در زمان و مکان باعث تغییر حکم شرعی می‌شود. یکی از این مؤلفه‌ها، اموری است که ممکن است در دوره‌ای به سود و صلاح جامعه باشد و در دوره دیگر نباشد، یا ممکن است آن امر به مصلحت جامعه‌ای باشد و به سود و صلاح جامعه دیگر نباشد. از این‌رو کسانی که حفظ مصالح جامعه به دست آنها سپرده شده، در دو زمان یا در دو جامعه، حکم متفاوت برای حفظ مصالح و منافع عمومی جامعه معین می‌کنند. چنانچه در روایتی که از امام صادق [ع] آمده است حضرت فرمود: «قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَيْنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فِي مَشَارِبِ النَّخْلِ أَنَّهُ لَا يُمْنَعُ نَفْعُ الشَّيْءِ، وَ قَضَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَيْنَ أَهْلِ الْبَادِيَةِ أَنَّهُ لَا يُمْنَعُ فَضْلُ مَاءٍ لِيُمْنَعَ بِهِ فَضْلُ كُلِّ، وَ قَالَ لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ». [۴۵، ج ۱۰، ص ۴۸۳]؛ «از امام صادق - علیه‌السلام - روایت شده که رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلم - در میان اهل مدینه در مورد مشارب نخل دستور صادر کرد که از نفع رساندن چیزی به یکدیگر امتناع نورزند، و به بادیه نشینان دستور داد که از استفاده از آب ممانعت به عمل نیاورند تا دیگران نیز از آب‌ها و چراگاه‌ها بهره ببرند، و نیز فرمود: ضرر و آسیب رساندن به دیگری [در اسلام] وجود ندارد»، این نکته روشن می‌شود که چون جامعه مدینه نیاز شدیدی به رشد و توسعه کشاورزی و دامداری داشت، پیامبر اکرم چنین حکمی را صادر کرد.

ثالثاً در مورد حکم وجوب حجاب که مستفاد از آیات قرآنی است و مخاطب آیه ۳۱

نور و نیز آیه ۵۹ سوره احزاب زنان مومن هستند؛ اختلافی در عدم شمول این حکم برای زنان اهل کتاب وجود ندارد.

با عنایت به نکات فوق، می‌توان گفت اساس اشکال مطرح شده در این است که می‌بایست حکم بدون دخل و تصرف از یک زمان و مکان به زمان و مکان دیگر تسری یابد؛ نکته قابل توجه در پاسخ آن است که از آنجا که وضعیت فعلی جامعه اسلامی از جهات مختلف با جامعه صدر اسلام متفاوت است؛ از جمله این تفاوت‌ها، عوض شدن ماهیت حجاب به اینکه دارای ماهیتی اقتصادی شده؛ و این از رابطه تبدیل زن به موضوعی جنسی با منافع شرکت‌های بزرگ نساجی، لوازم آرایشی، صنعت فیلم، موسسات زیبایی و جراحی و... قابل درک است؛ همچنین حجاب ماهیتی فرهنگی داشته که قدرت‌های بزرگ با استفاده از تساهل، نسبی‌گرایی، آزادی و... از آن به عنوان ابزار فشار غیرمستقیم بر دولت‌های دیگر استفاده می‌کنند؛ نیز دارای ماهیت سیاسی شده؛ زیرا از یک طرف به عنوان نماد مسلمان ظلم‌ستیز در جهان مطرح و از طرف دیگر استفاده از ابزار بی‌حجابی برای منافع سیاسی و براندازی نرم در یک جامعه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. [۳۸] و از سوی دیگر اگر گفته شود گزارش تاریخی مبنی بر الزام زنان اهل ذمه در صدر اسلام وجود ندارد در پاسخ باید گفت؛ اول آن که گزارش تاریخی یا عدم آن جزء منابع استنادی فقهی محسوب نمی‌شود؛ چراکه فقیه پس از دستیابی به ادله لفظیه قانع کننده، هیچ‌گاه به انتظار سندی تاریخی از اجرای حکم نمی‌نشیند مگر بنابر این بوده است که تمام فعالیت‌های اجتماعی به کل اسناد تاریخی منتقل شوند؟! [۲۳]

در ضمن اگر ادعا شود این مسأله به عنوان سیره متشرعه مطرح است که یکی از منابع اصیل فقهی است و از آنجا که در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام چنین رویه‌ای نبوده است، لذا استنباط می‌شود که حکومت حق دخالت را ندارد. می‌توان گفت؛ اولاً سیره از جمله دلایل لبی بوده که باید به قدر متیقن آن عمل نمود و از اطلاق آن به مانند ادله لفظیه نمی‌توان بهره جست؛ با این وصف قدر متیقن آن است که در صدر اسلام، با پدیده بی‌حجابی برخورد الزام‌آور یا بازدارنده نمی‌شده، که در این صورت تنها نتیجه آن، عدم لزوم مداخله حکومت است نه عدم جواز آن؛ ثانیاً اگر گزارش‌های تاریخی نمایانگر تسامح معصوم علیه‌السلام در برابر اجرای حکم می‌بود، می‌توانست به عنوان قرینه‌ای در کنار قرائن دیگر ملاحظه شود که چنین چیزی هم ثابت نیست بلکه با ادله روایی قابل نقض است.

دوم آنکه: آنچه در مقام واقع قابل مشاهده است، گزارش‌های تاریخی حاکی از حساسیت‌های معصومین علیهم‌السلام و جامعه اسلامی به این پدیده است؛ که خود جزء روایات بیانیه^۱ محسوب می‌شوند: از جمله: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در فرمانی خطاب به عمرو بن حزم که به عنوان والی نجران منصوب شده بود، می‌فرماید: «این بیانی است از سوی خدا و رسول او... و مردم را از اینکه لباس کوچکی بیوشند که عورتشان آشکار شود، بازدارد و از اینکه کسی موهایش را پشت سرش انباشته کند، نهی کند...» [۱۹؛ ۵۹] امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز در زمان خلافت و به عنوان حاکم به مردم عراق می‌فرمودند: «آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید که زنان تان راهی بازارها و دکان‌ها می‌شوند و با افراد بی دین برخورد می‌کنند» [۴۵، ج ۱۱، ص ۲۳۲] و... که اطلاق این روایات شامل همه زنانی است که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند اعم از مسلمان و غیر مسلمان.

حال با توجه به اینکه حاکم اسلامی، با برداشتی که از مقتضیات زمان و مکان و روح حاکم بر اهتمامات شارع در احکام و امور دارد، مصلحت را تشخیص می‌دهد و بر او لازم است که طبق آن عمل کند و این حق مستند به قاعده مسأله حفظ نظام است؛ [۵۶، ج ۱، ص ۳۳۷؛ ۲۰، ج ۷، ص ۹۷؛ ۲۵؛ ۱۲] بر این اساس حکومت دینی می‌تواند بنابر شرایط و مقتضیات زمان و مکان و به عبارتی بنابر مصلحت، برای بی‌حجابی جرم‌انگاری نموده و تعزیر متناسب را برای کفار اعم از ذمی یا جهانگرد اعمال نماید.

۱-۳- عدم تلازم بین جواز نگاه و عدم پوشش

آنچه درباره پوشش زنان غیر مسلمان در آیات و روایات وجود دارد، به بحث نگاه مربوط می‌شود. با مطالعه روایات معصومین علیهم‌السلام مشخص می‌شود بین احکام نگاه بین زنان مسلمان و غیرمسلمان تفاوت وجود دارد، بسیاری از فقهای شیعه نگاه به زن غیرمسلمان را جایز دانسته‌اند. شیخ مفید [۳۷] و شیخ طوسی [۳۴] از جمله فقهای هستند که ممنوع بودن نگاه را به زن مسلمان اختصاص داده و نگاه به زن غیرمسلمان را جایز دانسته‌اند. برخی فقها نظیر ابن ادریس [۱۸]، فاضل هندی [۷] و علامه حلی در کتاب مختلف [۶]، این تفاوت را نپذیرفته و با آن مخالفت کرده‌اند. مدرک اصلی حکم جواز نگاه به غیرمسلمان، روایاتی است که ذیل^۱ به دو روایت اشاره می‌شود: عَلِيُّ بْنُ

۱. روایاتی که بیانگر فعل معصوم هستند.

إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا حُرْمَةَ لِنِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْ شُعُورِهِنَّ وَ أَيْدِيهِنَّ. [۴۵، ج ۱۱، ص ۲۰۴]؛ «زنان اهل ذمه برای نگاه کردن به موها و دست‌هایشان احترامی ندارند.»

عبدالله بن جعفر فی قرب الاسناد عن السندي بن محمد بن محمد عن ابی البختری عن جعفر بن محمد عن ابیه عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى رُؤُوسِ نِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ [۱۴، ج ۲۰، ص ۲۰۶]؛ «باکی نیست که به سر زنان اهل ذمه نگاه شود.»

باید در نظر داشت که این روایات هرچند درباره زنان اهل ذمه است؛ ولی وقتی احترام این‌گونه زنان الغاء شده باشد، قهراً دیگر کفار که نه اهل کتاب هستند و نه قرارداد ذمه با مسلمانان دارند نیز از این احترام محروم خواهند بود.

حال با توجه به آنچه گفته شد؛ برخی، از جواز نظر تلازم آن را با عدم وجوب پوشش استنباط کرده‌اند که نتیجه آن عدم دخالت کسی در امر و نهی به آنان در این زمینه است. [۲۱؛ ۴۶] به عبارتی آیا می‌توان گفت که هرکجا کشف بدن و یا ظاهر کردن عضو حرام است، «بالملازمه» نگاه کردن نیز حرام است؟ و یا هر کجا که کشف بدن جایز است، بالملازمه، نگاه کردن نیز جایز است؟

در پاسخ باید گفت به نظر می‌رسد رابطه بین تستر و نظر عموم و خصوص من وجه است؛ زیرا در مورد ملازمه بین جواز نظر و عدم وجوب پوشش؛ اولاً تعلیل در روایات هر چند بیانگر نوعی ملازمه است؛ اما به این نحو است که با وجود کشف - در صورتی که نهی از آن بی‌اثر باشد - نظر کردن مانعی ندارد [«لَا حُرْمَةَ لِنِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَنْ يُنْظَرَ...»؛ «لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ...»]. و پرسش مسلمانان نیز برای این بوده که تکلیف خودشان را در برخورد با آنان بفهمند نه اینکه جواز نظر مستلزم آن باشد که کشف هم بر آن‌ها جایز باشد. ثانیاً چنین مطلبی با روایت و فتوای فقها مبنی بر مکلف بودن کفار به پوشش نیز، ناسازگار است. بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت؛ حال که نظر جایز است؛ پس کشف و نداشتن پوشش هم برای آنان [کفار] جایز باشد.

همچنین در مورد ملازمه بین حرمت نظر و وجوب پوشش هم باید گفت: اولاً «لزوم ستر» مقدمه‌ای است برای «عدم نظر» است نه مقدمه‌ای برای «حرمت نظر». چنانچه آیت‌الله خوئی [۵۶، ج ۱، ص ۴۹] و آیت‌الله داماد [۵۷] به این مطلب تصریح کرده‌اند که ملازمه‌ای بین این، به نحوی که بیان شده نیست.

ثانیاً؛ برخی با استناد به قاعده حرمت اعانه بر اثم در مسأله ستر و نظر، قائلند هر جا

نظر حرام است، ستر واجب است. امام خمینی (ره) ضمن پذیرش این قاعده می‌فرماید: «عون» بر معصیت به حکم عقل مستقل، قبیح است و در آن «قصد» معصیت دخالت ندارد، [۵۳، ج ۱، ص ۱۲۹] و نیز پذیرفته‌اند که «دفع منکر» مانند رفع آن، واجب است و به‌طور کلی مفاد نهی از منکر را «ریشه‌کن کردن فساد» دانسته‌اند، [۵۳، ج ۱، ص ۱۳۵] در عین حال در مسأله ستر و نظر تصریح می‌کنند که با نگاه حرام دیگری [مثل نگاه زن به گردن مرد] رعایت پوشش بر شخص به استناد حرمت اعانه بر اثم لازم نیست. [۵۲، ج ۲، ص ۲۴۴] زیرا در رعایت نکردن پوشش، «اعانه بر اثم» صدق نمی‌کند. [۳۹] از این رو ایشان «ستر» را برای جلوگیری از «نگاه حرام دیگران» واجب نمی‌دانند.

به علاوه درباره این نوع ملازمه به این نکته کلی نیز باید توجه داشت که چنین ملازمه‌ای بر فرض قبول، «وجوب ستر» را اثبات نمی‌کند، بلکه از باب مقدمه، «جلوگیری از نظر حرام» را لازم می‌گرداند که بر «ستر» قابل انطباق است. همچنین وجوب ستر در این صورت مطلق نبوده و به موارد علم به «تعمد در نگاه» اختصاص دارد.

از آنچه گفته شد مشخص می‌شود ملازمه خاصی بین ستر و نظر نیست و احکام نظر به اهل کتاب از باب حکم ثانوی و ضرورت برخوردهای اجتماعی بوده است و در مورد گستره محدودیت نگاه، برخی فقها آن را محدود به موضعی می‌دانند که در زمان رسول‌الله [ص] آن را ظاهر می‌کردند، شیخ محمد امین زین‌الدین در این باره می‌گوید: «و باید به حد احتیاط اکتفا شود که لازمه آن اکتفا به آنچه در زمان رسول‌الله [ص] و ائمه [ع]، عرف زنان آن را آشکار می‌کردند و نمی‌پوشاندند، می‌باشد؛ نه آنچه که در زمان‌های بعد آنها بوده است» [۲۲] بر اساس این مبنا دایره نگاه ضیق می‌شود. اما بسیاری از فقها بیان کرده‌اند که به جاهایی که عادتاً آن‌ها را نمی‌پوشاندند، می‌توان اکتفا کرد. آیت‌الله سیستانی در این باره می‌فرماید: «لا فرق فیہ بین الوجه و الکفین و بین سائر ما جرت عادتہن علی عدم سترہ من بقیہ اعضاء البدن» [۱۵]؛ «فرقی نیست بین صورت و کفین [دو دست] و بین سایر جاهایی که عادتاً از بقیه اعضاء بدن نمی‌پوشاندند.» به نظر می‌رسد بر اساس مبانی مذکور «عدم حرمت آنان و همچنین وجود عسر و حرج»، قول دوم قوی‌تر و منطبق بر مقتضای روایات است.

حال با توجه به بررسی فقهی که انجام شد، باید گفت: اولاً از آنجا که ملازمه‌ای بین نظر و پوشش نیست؛ لذا کفار از این جهت با مسلمانان فرقی نداشته و نمی‌توان بواسطه این دسته روایات که جواز نظر را بیان می‌کنند، برای مسؤولیت حکومت در حوزه حجاب

در این مورد، استثنا قائل شد و همانطور که خواهد آمد باید بین ادله وجوب حجاب و پوشش زنان غیرمسلمان و ادله الزام تفکیک کرد. ثانیاً می‌توان گفت این دسته روایات به هیچ وجه ناظر به مسؤولیت حکومت نیستند و تنها در مقام بیان حکم مسلمانان هنگام برخورد با این کفار بوده‌اند زیرا در روایات به طور صریح بیان شده، «لا نهن اذا نهوا»؛ یعنی هنگامی که نهی شدند و این خود بیانگر آن است که باید نسبت به آنها نهی از منکر صورت بگیرد و بعد نهی، در صورت بی‌اعتنایی آنان نسبت به رعایت حجاب، تکلیف مردان در لزوم نگاه کردن ساقط می‌شود و نظر به ایشان جایز است.

۱-۳- حرمت تظاهر به منکر

با بررسی روایات و سیره معصومین این نکته به دست می‌آید که با کسانی که تظاهر به انجام منکرات داشته باشند، باید برخورد شود. مسعده بن صدقه گوید: امام صادق علیه‌السلام از پدرشان علیه‌السلام نقل کردند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: همانا معصیتی را که شخص در پنهانی مرتکب می‌شود زیان و وبالش جز او را نخواهد گرفت، ولی هر گاه آن را آشکارا مرتکب شود و از طرف مردم سرزنش نشود زیانش عمومی خواهد گشت و ضررش همه را فرا خواهد گرفت؛ امام صادق علیه‌السلام اضافه فرمودند: این بدان جهت است که با این کار [یعنی تظاهر به معصیت] دین خدا را کوچک شمرده و آن را خوار نموده است. و نیز آنان که آمادگی برای مخالفت با خدا و دین او دارند به او تاسی جسته؛ یعنی از او پیروی خواهند کرد. [۲]

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «کسی که کار زشتی را شیوع دهد، همانند کسی است که خودش آن را انجام داده است.» [۱۴، ج ۱۲، ص ۲۹۶]

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «من در مورد [نجات و عفو] این امت در شخصی که حق ما را شناخت امید دارم، جز در مورد یکی از سه کس: ۱- سلطان ستمگر ۲- همنوای هوس‌های نفسانی ۳- گنهکاری که گناه خود را آشکارا انجام می‌دهد.» [۳]

با توجه به روایات فوق و سیره، در لزوم برخورد با متظاهر فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست؛ زیرا در صورتی که در مرعی و منظر و اماکن عمومی اقدام به تظاهر اعمالی کنند که از نظر دین اسلام ممنوع است، حاکم اسلامی حق دارد آنها را به دادگاه‌های اسلامی جهت تعقیب و مجازات بفرستد. هرچند که خیلی از دستورات اسلام در ادیان دیگر جایگاهی ندارد و آنها ضرورتی برای التزام به آن احساس نمی‌کنند؛

چنانچه حضرت علی علیه السلام بر یهودی، نصرانی و مجوسی که علناً و آشکارا در میان مردم شراب می خوردند، حد جاری می کردند. [۴۵، ج ۱۴، ص ۱۸۸]

شخصی از امام کاظم علیه السلام پرسید: یهودی یا مسیحی یا مجوسی که زنا کرده یا شراب خورده دستگیر کرده اند، حکمش چیست؟ فرمود: «حدود اسلام را بر او جاری می سازند، در صورتی که او این گناهان را در شهری از شهرهای مسلمین انجام داده و یا در غیر شهر آنها انجام داده ولی آنها را نزد قاضی های مسلمین آورده اند.» [۱۴، ج ۲۸، ص ۵۰]

در صورتی که در مرعی و منظر و اماکن عمومی اقدام به تظاهر اعمالی کنند که از نظر دین اسلام ممنوع است، حاکم اسلامی حق دارد آنها را به دادگاه های اسلامی برای تعقیب و مجازات بفرستد و با توجه به «معنای لغوی و اصطلاحی معروف و منکر برمی آید، معروف و منکر یک معنای وسیع دارد که هم واجب و حرام بودن را و هم مستحب و مکروه بودن و هم هنجار و ناهنجار اجتماعی بودن را شامل می شود، نه آنکه این سه مصداق باید با هم جمع باشد تا امری معروف یا منکر شناخته شود» [نک: ۴۱]

بطلان برخی نظریه ها که محدوده معروف و منکر را واجب و حرام ندانسته و در نتیجه حجاب را جزء معروفات و در مقابل بی حجابی را جزء منکرات نمی داند، مشخص می شود. [۹]

بر همین اساس فقها قائلند که عدم تظاهر به منکرات جزء شرایط قرارداد ذمه می باشد؛ چنانچه شهید ثانی معتقد است که انجام اعمالی نظیر خوردن گوشت خوک، نوشیدن شراب، رباخواری و... توسط اهل ذمه اگر به صورت علنی باشد، موجب فسخ عقد ذمه است چه در قرارداد ذمه اینها این موارد شرط شده باشد، چه شرط نشده باشد. [۳۵] صاحب جواهر نیز شرط چهارم از شرایط اهل ذمه را عدم تظاهر به منکرات دانسته و این مسأله را از نظر برخی فقها مورد اجماع بیان و اظهار می دارد اگر چنین کنند نقض عهد خواهد بود، اگرچه در قرارداد آنها هم نیامده باشد. [۶۱، ج ۲۱، ص ۲۶۹ و ۲۷۰] این مطلب را در آثار فقهی دیگر فقها نیز می توان دید. [۱۷؛ ۴۸ و...]

امام خمینی [ره] می فرماید: «اهل کتاب باید در عقد ذمه تعهد نمایند که تظاهر به منکرات اسلامی نکنند و در صورت تظاهر به اعمالی که در اسلام ممنوع است، به موجب احکام دادگاه های اسلامی مجازات خواهند شد.» [۵۸]

بنابر آنچه گفته شد می توان گفت، یکی از مبانی مهم برای جلوگیری از بی حجابی توسط حکومت، همین مسأله لزوم عدم تظاهر به منکرات است؛ البته باید توجه داشت

که ما در کشوری زندگی می‌کنیم که نظام قانونی بر آن حاکم است نه نظام فقهی محض، بنابراین بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات که برگرفته از اصول ۳۴-۳۹ و قانون اساسی است؛ از آنجا که برای بی‌حجابی در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده است و جزء منکرات محسوب می‌شود؛ بنابراین وقتی اهل ذمه در صورت ارتکاب منکر بی‌حجابی، مجازات خواهند شد، تکلیف کسانی که تحت ذمه نیستند مانند جهانگردان، کاملاً مشخص است.

۲. حکم مستفاد از قانون هر کشور

حکم پوشش کفار و مسؤولیت حکومت در برابر آن را می‌توان از قوانین حاکم کشور اسلامی استخراج کرد؛ زیرا با قراردادن مواد قانونی و آیین نامه‌ها بحث الزام به حجاب غیر مسلمانان اعم از ساکن و جهانگرد، تعیین می‌شود:

با این بیان که ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم را چنین تعریف می‌کند: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود» و ماده ۳ همان قانون می‌گوید: «قوانین جزایی در مورد کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌شود، مگر آنکه به موجب قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد» که این ماده، بیانگر اصل سرزمینی بودن جرم و مجازات^۱ است. گفتنی است ماده ۵ قانون مدنی نیز به همین معنا اشاره دارد.^۲

به مقدمات فوق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات، مصوب سال ۱۳۷۵ - اضافه می‌کنیم که بیان می‌دارد: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴

۱. این اصل بیان می‌کند که هر مجرمی باید مطابق قانون کشوری مجازات شود که جرم در آنجا رخ داده است؛ زیرا اولاً مردمی که سکونت در محلی را قبول کرده‌اند در حقیقت قبول کرده‌اند که تابع قوانین همان محل باشند؛ ثانیاً مجرم در هر محلی مرتکب جرم شود نظم و امنیت آن محل را بر هم می‌زند و به همین دلیل قانون همان محل صلاحیت تعقیب او را دارد. ثالثاً اگر مجرم به موجب قانون کشور دیگری غیر از کشور محل وقوع جرم تحت تعقیب قرار گیرد موجب تضعیف حاکمیت و اقتدار کشور محل وقوع جرم می‌شود و در نهایت نیز برقراری امنیت هر کشوری از وظایف حکومت و قانون همان کشور است.

۲. ماده ۵: «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد.»

ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.^۱ تبصره این ماده نیز چنین مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

با توجه به آنچه گفته شد، از آنجا که بی‌حجابی در تبصره این ماده جرم محسوب شده و در این تبصره بین مسلمانان و غیر مسلمانان، تفاوتی قائل نشده است، بنابراین رعایت حجاب مناسب برای تمام بانوان اعم از ساکن و جهانگرد، لازم است و اگر آشکارا به رفتارهای ناهنجار دست زدند، برابر مقررات اسلامی با آن‌ها برخورد می‌شود.

علاوه بر آنچه آمد، در سوگندنامه جهانگردان نیز به عنوان یکی از تعهدات آنان آمده است که: «حرمت همه فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مردمانی را که با آن‌ها روبه‌رو می‌شوم، نگه دارم»^۱ و وزارت امور خارجه به عنوان یکی از متولیان امر جهانگردی در کشور درباره پوشش زنان در ایران چنین یادآور می‌شود: «بر اساس اعتقادات اسلامی و اجتماعی که در ایران وجود دارد، زنان باید با پوششی مناسب و روسری در جامعه حضور داشته باشند. مردان نیز با پوششی معمول و رایج در جامعه حضور دارند.» [به نقل از ۲۷، ص ۶۵۵] بر این اساس حفظ حجاب شرعی، بخشی از قانون، فرهنگ و ادب کشور جمهوری اسلامی ایران است و اگر جهانگردی بر خلاف آن عمل کند، سوگندنامه خود را شکسته و دولت می‌تواند بر اساس آنچه در متن ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی با متخلف برخورد کند.

همچنین در مورد این ادعا که خرده گرفتن بر رفتار گردشگر مبنی بر حجاب نداشتن وی، ضربه سختی به صنعت توریسم خواهد زد [۲۶] باید گفت بدیهی است که دولت اسلامی مجری احکام اسلام است و رویکردی الهی به حقوق دارد و رویکرد الهی بودن حقوق بر مجموعه نظریه‌هایی اطلاق می‌شود که «مبنای قواعد حقوقی و منشأ اعتبار آن‌ها را اراده خداوند می‌دانند؛ حال چه خداوند از طریق وحی و ابلاغ آن به پیامبران خود به تشریح پرداخته و یا امر تشریح و وضع قواعد را به اشخاص و یا خود مردم واگذار کرده باشد.» [۱۶] آنچه که در نظریه الهی مهم و اساسی تلقی می‌شود و

۱. سوگندنامه جهانگرد صلح‌جو که در اجلاس سال ۱۹۸۸ ونکوور کانادا (مقر سازمان جهانی جهانگردی) تحت عنوان جهانگردی نیرویی حیاتی برای صلح.

فارق بین این نظام حکومتی با دیگر نظام‌ها می‌باشد، مبانی توحید محوری، فرجام باوری و انسان شناسی و حیانی است. بر این اساس اصل توحید فقط مربوط به اعتقاد نیست، بلکه روح حاکم بر تمام هستی است و کلیه رفتارهای انسان را به سمت تعالی جهت می‌دهد؛ از این رو توحید محوری والاترین ارزش در نظام‌های رفتاری، از جمله نظام حقوقی محسوب می‌شود و اومانیزم و انسان‌مداری جایگاهی در این نظام ندارد و اندیشه و فکر بشر ملاک تعیین قوانین برای امور حجاب و عفاف نیست و تنها خداست که می‌تواند حدود آن را بیان کرده و ملاک خواست و اراده خداوند است نه بشر. همچنین در حکومت‌های مبتنی بر دیدگاه الهی، اولاً تشریح و جعل احکام و تکالیف اولاً و بالذات از شؤون خدای متعال است و بالعرض و در طول تشریح خداوند به کسانی که مأذون از جانب اویند واگذار شده است و قانون‌گذاری مراجع دیگر تنها در صورتی اعتبار دارد که در عرض قوانین و تشریحات الهی قرار نگیرد و مخالف آن نباشد. چراکه با توجه به اندیشه سکولاریسم، مسأله حجاب و عفاف متکی به خواست و اندیشه بشری سامان می‌یابد و هیچ عامل فرابشری مانند خدا، دین و وحی حق دخالت در این امور را ندارند و از طرف دیگر چون مسائل سیاسی، اجتماعی، و امثال آن کاملاً باید از غایات اخروی و فرادنیوی فاصله گیرد، بنابراین پوشش و حجاب نیز صرفاً متکی به پسند و عرف بشری و معطوف به منافع این جهانی تنظیم می‌شود؛ نه هدایت‌های آسمانی در آن دخیل می‌باشد و نه غایات آخرت‌گرایانه.

بنابراین حجاب و ارزش‌های دینی دیگر در جوامع سکولار جایگاهی از بعد دینی نداشته و ندارند و تنها در صورتی می‌توان برای آن قوانین و مقرراتی را وضع کرد، که مانعی بر سر دنیای یک جامعه واقع شود؛ مانند اینکه امنیت یک جامعه به خطر بیافتد و یا باعث شود که در اثر بی‌حجابی و بی‌عفتی، بازده کاری، تحصیلی و ... کاهش یابد که در این صورت قوانینی را دولت‌ها، آن هم تا اندازه‌ای که دخیل در دنیای آن‌هاست و عدم جعل این قوانین مانعی برای دنیایشان است، وضع می‌کنند.

و از طرف دیگر و با توجه به آنکه از ویژگی‌های نظام حقوقی اسلام، هماهنگی آن با آخرت‌گرایی انسان است؛ اگر دولت اسلامی وظیفه خود را در زمینه اجرای احکام اسلامی در جامعه، انجام ندهند که از جمله این احکام حجاب و عفاف و جلوگیری از اشاعه فحشا در جامعه است؛ باید پاسخگوی اعمال خود در آخرت باشند و از آنجا که حکومت دارای قدرت و سلطه است، مسؤولیت او بیشتر است و در صورت عدم توجه به

آن خود عاملی برای اشاعه فحشا در جامعه شده که وعده عذاب دردناک دنیوی و اخروی به آن داده شده است. [نور، ۱۹] براساس آنچه گفته شد هیچگاه مصلحت جذب گردشگر مقدم بر مبانی حکومت دینی نخواهد شد علاوه برآنکه بنابر آمار «عامل نهادی و سازمانی تأثیر معناداری به عنوان مانع توسعه بر صنعت گردشگری ایران دارد. در این بخش سوء مدیریت، کمبود نیروهای متخصص، تعدد نهادهای تصمیم گیر و عدم وحدت رویه و عدم هماهنگی میان آنها و همچنین ضعف بازاریابی و عدم تبلیغات یا تبلیغات نامناسب و کمبود خدمات آنلاین نظیر صدور ویزا، رزرو بلیط، هتل و ... مانع توسعه گردشگری در ایران شده است همچنین عامل زیربنایی تأثیر معناداری به عنوان مانع توسعه بر صنعت گردشگری بین المللی ایران دارد. ضعف امکانات رفاهی و اقامتگاهی نظیر هتلها، رستورانها، سرویسهای بهداشتی، شبکه حمل و نقل هوایی، ریلی و زمینی عدم توزیع فضایی مناسب آنها در پهنه سرزمینی ایران یکی دیگر از موانع توسعه صنعت گردشگری در ایران است. عامل سیاسی خارجی تأثیر معناداری به عنوان مانع توسعه بر صنعت گردشگری ایران دارد. تحریمهای اقتصادی علیه ایران از جانب شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، ایران هراسی و ناامن جلوه دادن ایران در رسانه‌های خارجی و تضاد و اختلافات ایدئولوژیک ایران با کشورهای همسایه و وجود جنگ، ناامنی و تروریسم در مرزها و کشورهای همسایه ایران مانع توسعه گردشگری بین‌المللی در ایران شده است. اما عامل فرهنگی و دینی تأثیر معناداری به عنوان مانع توسعه بر صنعت گردشگری ایران ندارد. تفاوتها و تعارضهای فرهنگی، محلی و قومی و خرده فرهنگهای ایران با گردشگران بین‌المللی و همچنین وجود و اجرای احکام شرعی نظیر حجاب و ممنوعیت نوشیدنی‌ها و خوردنی‌های حرام مانع توسعه گردشگری ایران نیست». [۶۴]

نتیجه

با عنایت به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که: آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود بیانگر مسوولیت دولت اسلامی در برابر این مسأله است.

هرچند تمسک به قاعده مکلف بودن کفار به فروع، برای الزام حکومتی بر حجاب تمام نمی‌باشد؛ اما اصل الزام غیر مسلمان به حجاب شرعی را می‌توان از اطلاق ادله امریه معروف و نهی از منکر استفاده کرد.

در برخی آیات به طور صریح از امر و نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کفار سخن رفته است که خود دلیل دیگری است بر اینکه حکومت حق الزام بر حجاب هم از باب اینکه منکری مانند بی حجابی رخ می دهد و هم از باب دفع مفسده و از باب مصالح عامه را دارد. تأثیر عنصر زمان و مکان را نیز در این مسأله نباید فراموش کرد و دولت اسلامی از باب حفظ نظم عمومی و مصالح جامعه اسلامی باید اقدام مناسب را کند و با کسانی که تظاهر به منکرات داشته باشند، باید برخورد شود.

از آنجا که ملازمه‌ای بین نظر و پوشش نیست؛ لذا کفار از این جهت با مسلمانان فرقی نداشته و نمی توان بواسطه برخی روایات که جواز نظر را بیان می کنند، مسئولیت را از دولت اسلامی نفی کرد.

حکم پوشش کفار و مسئولیت حکومت در برابر آن را می توان از قوانین حاکم کشور اسلامی استخراج کرد؛ زیرا با قرارداد مواد قانونی و آیین نامه ها بحث الزام به حجاب غیر مسلمانان اعم از ساکن و جهانگرد، تعیین می شود.

با توجه به آنچه گفته شد پیشنهاد می شود: اولاً تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی از ابهام خارج شده و آن را شامل مسلمان و غیرمسلمان بگرداند.

ثانیاً؛ از جانب سازمان گردشگری حجاب اسلامی، فلسفه، ضرورت و کارکردهای آن، برای گردشگران خارجی به نحو شایسته و هنرمندانه تبیین و معرفی شود.

منابع

- [۱]. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین [۱۴۰۵ ق.]. *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. جلد ۲، قم، دار سید الشهداء، ص ۵۴.
- [۲]. ابن بابویه، محمد بن علی [۱۴۰۶ ق.]. *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. دوم، قم، دارالشریف الرضی، ص ۲۶۱.
- [۳]. _____ [۱۳۶۲ ش.]. *الخصال*. مصحح: علی اکبر غفاری، جلد ۱، قم، جامعه مدرسین، ص ۱۱۹.
- [۴]. ابراهام کهن، راب [۱۳۸۲ ش.]. *گنجینه ای از تلمود*. مترجم: امیر فریدون گرگانی، تهران، انتشارات اساطیر، ص ۱۸۶.
- [۵]. اراکی، محسن [۱۴۲۵ ق.]. *نظریة الحکم فی الإسلام*. قم، مجمع اندیشه اسلامی، ص ۲۰۵.
- [۶]. اسدی حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر [۱۴۱۳ ق.]. *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*. جلد ۷، دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ص ۹۳.

- [۷]. اصفهانی فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد [۱۴۱۶ق]. *كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*. جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۹.
- [۸]. ایازی، سیدمحمدعلی، روزنامه صدای عدالت، ۸۶/۱۰/۹، ص ۸.
- [۹]. _____ [۱۳۸۷ش]، «نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب»، حجاب مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۳۳۴ و ۳۳۵.
- [۱۰]. بحرانی، شیخ یوسف [بی تا]. *الحدائق الناضرة فی احکام العتره الطاهره*. جلد ۳، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ص ۳۹.
- [۱۱]. براون و اشنايدر [۱۳۶۷ش]. *پوشاک اقوام مختلف [مصور]*. مترجم: یوسف کیوان شکوهی، تهران، کارگاه هنر، ص ۱۱۶.
- [۱۲]. تبریزی، جواد بن علی [۱۴۱۷ق]. *أسس الحدود التعزیرات*. قم، دفتر مؤلف، ص ۲۷۰.
- [۱۳]. حدادعادل، غلام‌علی [۱۳۸۹ش]. *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*. نوزدهم، تهران، سروش.
- [۱۴]. حر عاملی، محمد بن حسن [۱۴۰۹ق]. *وسائل الشیعه*. جلد ۱۲، ۲۰، ۲۸، ۳۰، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- [۱۵]. حسینی سیستانی، سید علی [۱۴۱۴ق]. *منهاج الصالحین*. جلد ۳، قم، مکتب آیة الله العظمی السید السیستانی، ص ۱۵.
- [۱۶]. حکمت‌نیا، محمود [۱۳۹۰ش]. *فلسفه نظام حقوق زن*. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۱۱۵.
- [۱۷]. حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن [۱۴۰۸ق]. *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ص ۳۰۱.
- [۱۸]. حلی، محمد بن منصور بن احمد ابن ادريس [۱۴۰۱ق]. *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. دوم، جلد ۲، قم، جامعه المدرسین، ص ۶۱۰.
- [۱۹]. الحمیری، ابن هشام [۱۹۶۳م]. *السیرة النبویه*. محقق: محمد محیی الدین عبد الحمید، جلد ۴، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ص ۱۰۵۱.
- [۲۰]. خوانساری، سید احمد [۱۴۰۵ق]. *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. دوم، جلد ۵ و ۷، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۲۱]. روشن، محمد [۱۳۸۷ش]. *محدوده حجاب جهانگردان و اتباع بیگانه در کشورهای اسلامی، حجاب مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی*. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۶۱۲.
- [۲۲]. زین الدین، شیخ محمد امین [۱۴۱۳ق]. *کلمه التقوی*. سوم، جلد ۷، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ص ۲۰.
- [۲۳]. زیبایی نژاد، محمد رضا [۱۳۸۷ش]. *نظام اسلامی و مسأله پوشش زنان. نظام اسلامی و مسأله حجاب*. قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ص ۳۰.

- [۲۴]. سبحانی تبریزی، جعفر [۱۴۱۵ق]. *الرسائل الأربع [للسبحانی]*. جلد ۱، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ص ۶۵.
- [۲۵]. صافی، لطف الله [بی تا]. *التعزیر، احکامه و حدوده*. قم، مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.
- [۲۶]. صدر، شادی، «حقوق بشر آری یا نه؟!»، روزنامه یاس نو، ۱۰/۹/۸۲، ص ۹.
- [۲۷]. صلاحی اصفهانی سهیلا فراست، اعظم [۱۳۸۶ش]. «نگاهی دوباره به پوشش زنان جهان گرد». پیام زن، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵.
- [۲۸]. صیدایی، سید اسکندر، هدایتی مقدم، زهرا [۱۳۸۹ش]. «نقش/منیت در توسعه گردشگری». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال چهارم، شماره هشتم.
- [۲۹]. طباطبائی حکیم، سید محسن [۱۴۱۶ق]. *مستمسک العروه الوثقی*. جلد ۹، قم، مؤسسه دار التفسیر.
- [۳۰]. طباطبائی، سید علی بن محمد بن ابی معاذ [۱۴۱۸ق]. *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*. جلد ۱۲، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ص ۲۳۵.
- [۳۱]. طباطبائی، سید محمد حسین [۱۳۷۴ش]. *المیزان فی تفسیر القرآن*. مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، پنجم، جلد ۴ و ۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۳۲]. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم [۱۴۲۲ق]. *العروه الوثقی*. جلد ۱، قم، مرکز فقه الائمه الأطهار، ص ۳۹۲.
- [۳۳]. طوسی، محمد بن الحسن [۱۴۰۷ق]. *تهذیب الأحکام*. محقق و مصحح: حسن الموسوی خراسان، چهارم، جلد ۶، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ص ۱۸۰.
- [۳۴]. ——— [بی تا]. *النهایه*. قم، قدس محمدی، ص ۴۸۴.
- [۳۵]. العاملی [الشهید الثانی]، زین الدین بن علی [۱۴۱۰ق]. *الروضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیه*. جلد ۲، قم، کتابفروشی داوری، ص ۳۸۹.
- [۳۶]. عراقی، محسن [۱۴۱۳ق]. *الولایه الإلهیه و ولایه الفقیه*. قم، مجمع الفکر الإسلامی، ص ۱۳.
- [۳۷]. العکبری البغدادی [شیخ مفید] محمد بن النعمان [۱۴۱۳ق]. *المقنعه*. قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ص ۵۲۱.
- [۳۸]. غلامی، علی [۱۳۹۱ش]، مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران، اول، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ص ۳۰۷-۳۱۳.
- [۳۹]. فاضل موحدی لنکرانی، محمد [۱۴۲۱ق]. *کتاب النکاح [تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله]*. قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ص ۴۳.
- [۴۰]. فاضل موحدی لنکرانی، محمد [۱۴۲۵ق]. *القواعد الفقهیه*. دوم، قم، مرکز فقه الائمه اطهار [ع].

- [۴۱]. فلاح تفتی، فاطمه [۱۳۹۳ش]. «مسئولیت دولت اسلامی در امر حجاب با استناد به ادله امر به معروف و نهی از منکر». مطالعات راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶۴، ص ۸۵-۸۹.
- [۴۲]. فیض کاشانی، محمد محسن [۱۴۰۶ق]. الوافی. محقق، ص مصحح: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، جلد ۲، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ص ۸۲.
- [۴۳]. قرائتی، محسن [۱۳۸۹ش]. تفسیر نور. چهارم، جلد ۱ و ۳، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- [۴۴]. کلانتری، علی اکبر [۱۳۸۴ش]. فقه و پوشش بانوان. دوم، انتشارات بوستان کتاب، ص ۱۰۳.
- [۴۵]. کلینی، محمد بن یعقوب [۱۴۲۹ق]. کافی. جلد ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۴، قم، دار الحدیث.
- [۴۶]. مزینانی، محمد صادق [۱۳۷۶ش]. «زنان و محدودیت‌های جهانگردی». زمستان مجله فقه، شماره ۱۴، ص ۱۹۵.
- [۴۷]. مطهری، مرتضی [۱۳۷۹ش]. اسلام و مقتضیات زمان. شانزدهم، تهران، صدرا، ص ۱۲۸.
- [۴۸]. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، [۱۴۰۳ق]. مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. جلد ۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۴۳۸.
- [۴۹]. ——— [بی تا]. زبده البیان فی أحكام القرآن. محقق، صمصحح: محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبه الجعفریه لإحياء الآثار الجعفریه، ص ۱۹۹.
- [۵۰]. مکارم شیرازی، ناصر [۱۳۷۴ش]. تفسیر نمونه. جلد ۳، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ص ۱۰۴.
- [۵۱]. موسوی بجنوردی، سید محمد حسن [۱۳۷۷ش]. القواعد الفقهیه. محقق: مهدی المهریزی - محمد حسین الدرایتی، جلد ۱، قم، الهادی، ص ۳۸.
- [۵۲]. الموسوی الخمینی، روح الله [۱۳۷۹ش]. تحریر الوسیله. جلد ۱ و ۲، قم، مؤسسه دارالعلم.
- [۵۳]. ——— [۱۴۱۰ق]. المکاسب المحرمه. سوم، جلد ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۵۴]. ——— [۱۳۶۴ش]. صحیفه نور. جلد ۲۱، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ص ۲۸۹.
- [۵۵]. موسوی خویی، سید ابوالقاسم [۱۴۱۳ق]. کتاب الزکاه. قم، دارالعلم.
- [۵۶]. موسوی خوئی، محمدتقی [۱۴۰۷ق]. کتاب النکاح [تقریرات آیت الله سید ابوالقاسم خوئی]. جلد ۱، قم، دار الهادی.
- [۵۷]. مؤمن، محمد جوادی آملی، عبد الله [تقریرات سید محمد محقق داماد] [۱۴۱۶ق]. کتاب الصلاه. دوم، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۳۳۴.
- [۵۸]. منتظر قائم، مهدی [۱۳۸۱]. آزادی‌های شخصی و فکری از نظر امام خمینی و مبانی فقهی آن. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۴۲.
- [۵۹]. میانجی، علی احمدی [۱۴۱۹ق]. مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم. جلد ۲، قم، دار الحدیث، ص ۵۲۷.

- [۶۰]. مهذب، حاج سید احمد [بی تا]. زن و آزادی. ترجمه: تحریر المرئه، تهران، مرکزی، ص ۶۵.
- [۶۱]. النجفی، شیخ محمد حسن [۱۳۶۲ش]. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. محقق: شیخ عباس قوچانی، سوم، جلد ۲۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- [۶۲]. نوری، حسین بن محمد تقی [۱۴۰۸ ق]. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. جلد ۷، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ص ۴۴۸.
- [۶۳]. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی [۱۴۱۶ ق]. مصباح الفقیه. جلد ۱، قم، مؤسسه الجعفریه، ص ۲۲۷.
- [۶۴]. ویسی، هادی و مهماندوست، خدیجه، [۱۳۹۴ش]. بررسی موانع توسعه صنعت گردشگری بین المللی در ایران تأکید با برگردشگری ورودی. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، شماره اول، ص ۱۵۲.